



## المختارات من الرسائل

علیرضا ذکاوتی قراگزلو\*

و برای قرائت موارد ناخوانا به کار می‌آید، حاصل کار چیز دیگری می‌بود اما همین اندازه هم دارای فوایدی است که بسی بر نسخه عکسی رجحان دارد و زحمات مصحح دانشمند بی‌فایده نبوده است و مأجور است و مشکور. چون احتمال چاپ آینده نیز هست بعضی نکات که در یک تصفح اجمالی به دیده آمد عرضه می‌دارد. امید که به نظر مصحح و ناشر محترم و فضایی خوانندگان برسد و شاید بعضاً در تصحیح پاره‌ای کلمات به کار می‌آید:

■ ص ۲۶ سه سطر به آخر در بیت دوم رباعی، حرف «و» زیادی است.

■ ص ۳۵ س ۸ «خودش» غلط و «خوش» صحیح است.

■ ص ۵۰ در سطر اول از پاراگراف سوم کلمه «الجلیه» غلط و «الجلبیه» صحیح است.

■ ص ۵۲ سطر اول «الآمانی» غلط و «الامانی» صحیح است

■ ص ۵۹ سطر ۱۵ «عبنتها» احتمالاً «عیبنتها» باشد به رعایت سجع

■ ص ۶۳ س ۱۰ «برتبه» غلط و «برینه» صحیح است

■ ص ۶۳ س ۱۲ «یوم المزیه» غلط و «یوم الترویه» [= هشتم ذیحجه] صحیح است

■ ص ۶۴ چهار سطر به آخر همان کلمه «تفضلی» که در متن آمده از احتمال مصحح بهتر است.

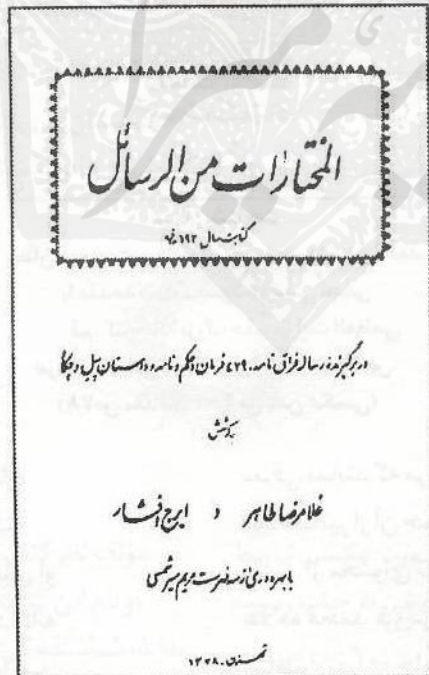
■ ص ۶۷ س ۱۵ «بجیده» غلط و

المختارات من الرسائل مجموعه‌ای است شامل ۴۷۹ نامه و فرمان و منشئات دیگر به اضافه داستان پیل و چکاد (مقدمه کلیده و دمنه) و یک رساله منثور که ناشر فراق نامه نامیده است. چاپ عکس این مجموعه در سال ۱۳۵۵ جزء مجموعه انتشارات انجمن آثار ملی منتشر شده بود و اکنون چاپ حروفی آن را که عمده زحمتش را محقق فاضل آقای غلامرضا طاهر کشیده است ملاحظه می‌کنیم، البته استاد ایرج افشار بر همین چاپ مقدمه جامعی نوشته‌اند که عصاره کتاب و اشاره به عمده فواید آن دارد و نیز مختصات



کتابشناسی نسخه منحصراً به فرد خطی و سرگذشت چاپ و انتشار کتاب را باز می‌گوید (۷) نام نویسندگان (۹ و ۱۰) نامه‌های تاریخدار (۱۱ تا ۱۴) بعضی اشارات تاریخی و جغرافیایی و اطلاعات مدنی و سیاسی (۱۴ تا ۱۸) و نیز نکات زبانی و سبک شناختی (صفحات ۱۸ مکرر). در اینجا باید به تأکید بگویم که چاپ حروف این کتاب از آرزوهای خیلی‌ها بود که خوشبختانه با اشراف ناشران کتاب (استاد ایرج افشار) صورت تحقیق به خود گرفت و اگر خواننده باریک بین در آن به مواردی انگشت بگذارد، از باب کاملتر شدن کار است نه تنقید یا اظهار فضل.

مسلماً اگر این کتاب نسخه دیگری می‌داشت که در تصحیح و مطابقه و مقابله نویسنده، محقق و پژوهشگر ادبیات، عرفان و تاریخ



به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار و سه فهرست از مریم میرشمسی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۷۸، ۶۷۸ ص.



احتمالاً «بجیده» صحیح است

■ ص ۷۰ س ۱۳ مصرع دوم چنین است: «یجود لامثالی  
بجد مساعد»

■ ص ۷۲ س ۱۰-۸ درستش چنین است: «...دریاوار موج  
دعوی می‌زنند بر سان بحر عروض. به نفاذ حدی در حکم،  
شمشیروار به گردن احرار در می‌آویزند بر مثال تیغ خطیب. بی‌نام  
و ننگی نقش و رنگی به ظاهر می‌آمیزند چون صورت دیوار. جد در  
مرآت بصیرت ایشان هزل است...»

■ ص ۱۰۸ س ۱۷ «خُفیه» نامناسب و «خُفیه» بهتر است.  
۱۱۲ س ۱۰ «شنیدم» غلط و «بشنیدم» صحیح است.

■ ص ۱۷۷ س ۶ کلمه «صف» نامناسب و احتمالاً «وصف»  
صحیح است.

■ ص ۲۶۶ س ۱۶ شاید به جای کلمه «بنون» کلمه «بنوه»  
مناسب‌تر باشد

■ ص ۲۷۲ س ۸ «حُرقتی» که خادم را هست، سود زبانی  
نیست «صحیح عبارت احتمالاً چنین باشد «حُرقتی که خادم را  
هست سوزبانی نیست» رک دهخدا ماده «سوزبان»

■ ص ۲۷۷ س ۱۶ «معادی» غلط و «معانی» صحیح است  
■ ص ۲۸۲ س ۱۸ «ماسخ» غلط و «ماسخ» صحیح است.

■ ص ۳۰۱ س ۱۷ «إلا تقلبون» غلط و «لا تقلبون» صحیح  
است

■ ص ۳۵۳ س ۹ «قدروه فی سنبلة» غلط و «قدروه فی سنبله»  
صحیح است (سوره یوسف آیه ۴۷). جایی که بخواهند حرفی را  
ناگفته بگذرند و بگذرند بدین پاره از آیه تمثل می‌کنند، چنانکه در  
رباعی زیر می‌خوانید:

باز آمده‌ام نزد تو با دست تهی

تا دست کرامت به سر من بنهی

وای من اگر گوش به حرفم ندهی

باقی سخن «ذروه فی سنبله»

■ ص ۳۶۱ س ۵ مصرع دوم چنین است: «سَموما بما  
استمكنت من نار اضلعی»

■ ص ۳۶۵ س ۱۸ «تجسم» غلط و «تجشم» صحیح است  
■ ص ۳۶۸ س ۱۰ «ارتاق» احتمالاً صورت دیگری از کلمه  
ترکی «أتراق» است به معنی «نشیمن» و مجازاً او توسعاً یعنی  
«اسکان»

■ ص ۴۱۰ س ۱۲ «نهاد حمیده» احتمالاً «به نهاد حمیده»

■ ص ۴۱۱ س ۲ «صافیان» احتمالاً «جانیان» صحیح باشد

■ ص ۴۵۶ س ۵ «السایغة الاذیال» غلط و «السابغة الاذیال»  
صحیح است

■ ص ۴۷۴ س ۱ «کی یعیدها» به احتمال قوی «کی تُعیدها»  
صحیح است

■ ص ۴۷۹ س ۳ «یقضان» غلط و «یقظان» صحیح است  
■ ص ۴۸۰ س ۱۸ مصرع اول چنین است: «بیض الصفائح  
لا سود الصحائف فی»

■ ص ۶۲۰ مصحح کلمه «منبلان» را اسم خاص پنداشته است  
در حالیکه «منبل» به معنی آدم بیکاره است و «ترهات منبلان»  
یعنی حرفهای دور از حقیقت و بیراه بیکارگان.

■ ص ۶۲۱ کلمه «و بیض» غلط و «و میض» به معنی جرقه و  
درخشش آتش است و «أری بین الرماد و میض جمر...» شعر معروفی  
است.

آنچه ذکر شد نمونه‌هایی بود و شاید چند برابر بتوان استخراج  
کرد و همگی ناشی از تک نسخه بودن متن و عدم امکان مقابله  
بوده است.

در مواردی غلط خوانی به این صورت است که عبارتی شعر  
نبوده و شعر پنداشته شده و به صورت شعر چاپ شده (۴۹۵ س  
۷). گاهی با کمی دقت صورت صحیح عبارت قابل حصول بوده  
است مثلاً بیت دوم در صفحه ۴۹۳ به این صورت صحیح است و  
معنی روشنی دارد:

فان السیوف تجز الرقاب

و تعجز عما تنال الابیر

«شمشیرها گردنها را می‌برند اما از کاری که سوزنها انجام  
می‌دهند عاجزند» یا در صفحه ۴۹۱ یک سطر به آخر صورت  
صحیح شعر به طور واضح چنین است:

بنی [یا: و ابنی] علی عینی و قلبی مکانه

ثوی بین احجار و بیض تراب

«فرزندم که بر چشم و دلم جایش بود، میان سنگها و خاک  
سخت جای گرفته است» یا در صفحه ۴۸۶ کلمه «امین لشکر  
داری» به وضوح «آیین لشکر داری» است و در صفحه ۴۸۷ «امین  
پادشاهی» به وضوح «آیین پادشاهی» است.

فهارس متعددی برای این مجموعه تهیه شده که بسیار  
سودمند و کار آمد است از آن جمله فهرست آیات و احادیث و  
عبارات عربی، اشعار فارسی و عربی، مصراع‌ها و ضرب المثله‌ها،  
نامهای اشخاص، اماکن و نیز فهرست واژگان تعبیرات ادبی و نیز  
معانی لغات و همچنین اصطلاحات و مفردات دیوانی و سپاهی و



فقهی و مشاغل و متعلقات شهری (که این فهرست از همه مفیدتر است) و نیز جملات دعائیه و مضامین نامه‌ها و فرامین و بالاخره ریزِ فهرست مندرجات کتاب که اینها جمعاً ۱۷۰ صفحه را در بر می‌گیرد.

بطور کلی فضای فرهنگی و اجتماعی و دیوانی قرن پنجم و قرن ششم خصوصاً در منطقه عراق عجم و آذربایجان در این کتاب نمودار است. از تقاضای کار تا معامله باغ از واگذاری اوقاف تا تفویض مسؤلیت قضاوت، از نکاح تا تقسیم ارث، از شکایت ظلم دیوانی تا غارت لشکر سلطانی و نیز عتاب و خطاب اخوانی در این کتاب نمودار است، چنانکه غلبه عربیت و ادبیت تازی نیز در آن عصر آشکار است بطوریکه نویسندگان نامه‌ها گویی بر خواننده منت می‌گذارند که به فارسی متکلف (آن هم با شصت هفتاد درصد عربی) می‌نویسند اما همین فارسی‌ها بی‌نمکی نیست و عبارات پرخون و جاندار در این کتاب هست، و البته هدف اصلی، ارائه نمونه‌هایی برای مترسَلان بوده است.

با نقل دو عبارت و یک شعر به عنوان نمونه، مقاله را به پایان می‌بریم و اهل تحقیق را به مطالعه دقیق این کتاب توصیه می‌کنیم.

- «فلان بداند که بی‌رسمی و ناهمواری جماعت یا غیان فلان

شهر - ارشدهم الله - از حد گذشت و حقیقت است که رضای فلان بدین معنی پیوسته تواند بود اگر نه رعایای ضعیف و اوباش سفله را محل و یارای آن نبودی که متعرض سخط... ما شدندی و همچنان از سر شفقت و رقت دل نمی‌گذارد که به یکبارگی لشکرها آنچه ساز حرب و آلات جنگ است پیش گیرند... این کلمات دفعه دیگر نصح را نوشته می‌شود تا از خواب غفلت بیدار گردند... و به جان و مال خود زنهار بخورند که اگر طریق مطاوعت و متابعت برند کرم جبلی را کار فرماییم و از سر هفوات و زلّات ایشان درگذریم... (۲۸۷)

- چنان می‌شنویم که قلندروار در کوی ناپاکی سرگردان شده و گوی هوی در میدان هوس افکنده و بر سرآمده قلاشان جهان گشته و رندآسا - هر روز به منزلی و هر شب جایی. ای خاکسار این چه باد پیمایی است که از بی‌آبی، آتش در نهاد خویش زده‌ای؟ (۳۷۵)

- افسوس که این عمر و جوانی بگذشت  
برنامه هیچ کار، و کار اندر گشت  
یک چند به عاریت و ثاقی در شهر  
یک چند به کهنه چارطاقی در دشت (۳۸)



تازه‌های  
نشر



مُنْتَهَى الطَّلَبِ إِلَى تَرَاثِ الْعَرَبِ (دراسات فی التراث)،  
جمال الغیطانی، ط ۱، قاهره و بیروت: دارالشروق،  
۱۴۱۷ هـ. ۱۹۹۷ م.

کتاب، شامل مقالاتی چند در شناخت میراث مکتوب اسلامی و آشنایی با تعدادی از آثار مهم ادبی و تاریخی ترائی یا تراث پژوهانه است. بازخوانی زندگانی خودنوشت ابن سینا، معرفی و گزیده خوانی ثمار القلوب تعالی [که اخیراً نیز به قلم دکتر رضا انزایی نژاد به فارسی ترجمه شده]، مطالبی درباره هزار و یک شب (ألف لیلة و لیلة) و النجوم الزاهرة ی ابن تغری بردی و تاریخ التراث العربی ی فؤاد سرگین (ترجمه عربی)، و... بخشی از مقالات این کتاب را تشکیل می‌دهند.  
جمال الغیطانی قصد دارد چنین مطالعات و نوشتارهایی را پی گیرد و از این راه در شناساندن تراث سهمی داشته باشد.  
کتاب او بیشتر برای خوانندگان غیر متخصص علاقه مند به مطالعات ترائی، مثل دانشجویان دانشگاهها، مناسب است.

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارْسِيَّةِ «مُنْدُ بَوَاكِبِ الْعَصْرِ الْجَاهِلِي حَتَّى الْعَصْرِ الْحَاضِرِ»، الدكتور محمد التونجی، راجعه: الدكتور السباعی محمد السباعی، ط ۲ (منقحه و مزیده)، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۸ م.

نویسنده در این اثر -چنان که از نامش پیداست- واژه‌هایی را که از زبان فارسی به عربی درآمده و معرب گردیده، با نظم الفبایی، گرد آورده است. این کتاب از جهاتی بر اقران خود برتری دارد؛ چنانکه جوالیقی در اثر خویش ۸۲۸ لفظ و آدی شیر ۱۰۷۴ لفظ معرب را جمع آوری نموده، ولی دکتر محمد التونجی بیش از سه هزار واژه را در فرهنگنامه خویش ثبت کرده و توضیح داده است. پاره‌ای از شواهد و توضیحات غنای ویژه‌ای بدین فرهنگنامه بخشیده است، ولی مؤلف در تعیین مآخذ و مراجع جزء جزء مطالب کتاب کوتاهی کرده که نقصانی اساسی در چنین تألیفی به حساب می‌آید. جای آن هست که زبان شناسان ایرانی در نقد و تنقیح و تکمیل فرهنگنامه دکتر التونجی سعی وافر مبذول دارند.